



بسپج سازندگی ، موفق ترین نهاد در استقرار اقتصاد مقاومتی

بسپج سازندگی موثرترین عامل در مسیر استقرار اقتصاد مقاومتی و هنر اقتصادی نهاد مقدس سازمان مقاومت بسپج مستضعفین است که راهبرد پایدار خود را ترجمان اقتصادی " ما می توانیم" قرار داده است.

به گزارش [پایگاه اطلاع رسانی بسپج سازندگی](#)، به نقل از [خبرگزاری صدا و سیما](#) ؛ بسپج ، واژه ای با دامنه معانی گسترده است که جوهره آن را جد ، جهد ، کوشش ، تلاش هوشمندانه و سازندگی ، مدیریت بهینه زمان و منابع انسانی با استفاده از حداکثر توان و استعداد و مزیت و انرژی و توان جامعه و سرزمین تشکیل می دهد.

بهره وری 100 درصدی عوامل تولید ، مدیریت کامل زمان و از همه مهم تر تقویت ستون های اقتصاد ملی و استحکام بیشتر اقتصاد کلان در برابر آسیب های تحریم و دیگر توطئه های اقتصادی دشمنان در کنار کمک به طرح های محرومیت زدایی، تلاش مقدس و جهاد اقتصادی در جهت عمران و آبادانی، استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی در کشور و توسعه اقتصاد روستایی به ویژه در مناطق دور دست از مختصات فعالیت های بسپج سازندگی است.

نظام جمهوری اسلامی ایران این افتخار را دارد که خدمت رسانی بی منت به مردم به ویژه اقشار کم درآمد و مناطق توسعه نیافته یا عقب نگه داشته شده را پیگیری می کند. هم سنجی دولت ها پس از پایان جنگ تحمیلی نشان می دهد که دولتی موفق بوده است که بیشترین همگرایی را با فرهنگ و اندیشه بسپج سازندگی داشته است ، این همگرایی اگر به مرز 100 درصد برسد شعار «ما می توانیم» هم به طور کامل حتما تحقق می یابد.

هر اندازه فعالیت های بسپج سازندگی در همه عرصه های تلاش ، تصمیم گیری و کارآفرینی گسترده شود ، هنجارهای اقتصادی هم بیشتر خواهد شد و اگر دولت استقرار اقتصاد مقاومتی را رسالت و تکلیف خود می داند باید بیشترین نقش آفرینی را برای بسپج سازندگی در نظر بگیرد تا دستاوردهای احتمالی این تلاش ها تا حدود زیادی تضمین شود.



* خدمتگزاری بی منت و محرومیت زدایی در اولویت بسیج سازندگی

یکی از واژه هایی که در دوره آغاز و شکل گیری و استمرار حیات انقلاب شکوهمند اسلامی ایران بیشترین کاربری ها را داشته، محرومیت زدایی بوده است.

محرومیت فقط به معنی فقر امکانات اقتصادی ساکنان یک منطقه نیست ، بلکه معادل فقر مدیریت فرصت های ایجاد ارزش افزوده و تولید ثروت (هدر دادن منابع تولید ثروت) هم است. مناسبانه در الگوی توسعه موسوم به تنفس مصنوعی و مبتنی بر لیبرالیسم اقتصادی، بخش های زیادی از جغرافیای اقتصادی و سرزمینی و انسانی عقب نگه داشته شد. این در حالی است که با ارائه برخی خدمات اندک می توان دورانی تازه از فعالیت های اقتصادی، علمی و اجتماعی را در روستاها برنامه ریزی کرد.

البته تلاش برای پیشرفت مناطق محروم همواره در برنامه های مختلف توسعه جایگاه داشته اما قابل توجه نبوده است و به اولویت و رویکردی پایدار و ثابت تبدیل نشده است.

جای تاسف است برغم وجود این همه انگیزه و نیروی انسانی و دانش در نهاد بسیج سازندگی،

این نهاد تقویت نشد و به صورت محدود فعالیت کرده است.

همه از دولت انتظار دارند برنامه ها و طرح های مناسب را طوری سازماندهی کند که با تغییر در ساختارها سرعت توسعه افزایش یابد، در تدوین این برنامه ها باید توجه داشت که مناطق محروم عرصه ای «بکر» برای توسعه اقتصادی و همه جانبه هستند.

باید مدل های «توسعه شدید در مرکز و توسعه ضعیف در پیرامون» را کنار گذاشت و مدل توسعه از پایین به بالا یا از پیرامون به مرکز را در دستور کار قرار داد. این حق و واجب به وجب خاک و تک تک آحاد شهروندان هر سرزمینی است که از دولت ، بسته توسعه یافتگی را بخواهند؛ بسته ای که به توانمندسازی آنها در تولید ثروت از همه منابع انسانی، آب، خاک، جغرافیا و زمان کمک می کند و این کار هم از هنرهای بسیج سازندگی است.

خوشبختانه نهاد بسیج سازندگی هم عالی ترین پاسخ مثبت را به این روند داشته است. تبدیل یک منطقه بکر و بایر به یک منطقه اقتصادی، هنر برتر اقتصادشناسانی است که خود را خدمتگزار بی منت مردم معرفی می کنند و این هم هنر سربازان اقتصادی گمنام در بسیج سازندگی است.

دهکده های مناطق محروم ایران و برخی روستاهایی که امروزه ظاهراً مناطق محروم محسوب می شوند از استعدادهای لازم برای تبدیل شدن به قطب های پیشرفت گردشگری، کشاورزی، صنایع دستی و... برخوردارند. تنها یک طرح انتقال آب شرب به روستاهای محروم کافی است که نواری از توسعه بستان ها و باغات را به ارمغان آورد.

به نظر می رسد دولت باید فرایندها و روندهای توسعه را در کشور دگرگون و بازمهندسی کند و غنی تر از گذشته توسعه مناطق محروم را در اولویت نخست خود قرار دهد و از تمام ظرفیت بسیج سازندگی استفاده کند.

مبانی علم اقتصاد هم این رویکردها را تایید و به شدت پشتیبانی می کند چرا که اثربخشی برنامه های توسعه در مناطق بکر اقتصادی بیشتر است، بخش زیادی از منابع این مناطق هنوز احیا نشده است در حالی که احیای آنها به سادگی این مناطق را آماده حرکت به سوی مرحله جدید توسعه می کند.

به هر حال هر جا که نیروی انسانی حضور دارد، منابع خاک و آب وجود دارد و می توان با تقویت زیربنای اقتصادی مانند ارتباطات جاده ای و فناوری مخابراتی با اطمینان وارد فرایندهای توسعه ای تولید ثروت شد. این همان شعار ناب و شعور خاص بسیج سازندگی است.

هنر دولت ها این است که مناطق بکر را در شمال، جنوب، شرق و غرب کشور به عالی ترین و جذاب ترین نقاط برای جذب تقاضای خدمات گردشگری، توسعه اقتصادی و تولید ثروت تبدیل کنند نه این که بگویند این مناطق اصلاً توجیه اقتصادی برای توسعه و پیشرفت ندارند. بزرگترین خیانت اقتصادی در ایران اسلامی این است که عده ای بگویند؛ یک نقطه از این سرزمین یا یک نفر از این جمعیت حق دسترسی به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را ندارد و نباید به مناطق محروم رسیدگی شود. همه مردم و همه نقاط سرزمین ایران اسلامی، لیاقت توسعه یافتگی را دارند اما با استفاده از الگوها و مدل های ایرانی و بومی نه مدل های غربی و وارداتی.

اصلی ترین مبنای قانونی برای توسعه مناطق محروم همان قانون اساسی است که «جمهوری اسلامی» تمامیت مردم سالاری



آن را تشکیل می دهد.

توسعه اگر با جمهوری ترکیب شود در آن صورت همبستگی مستقیم با رشد، توسعه، پیشرفت، توزیع امکانات و فرصت ها در میان جمهور مردم، خواهد داشت و مردم ایران اسلامی انتظار دارند جشنواره های پایان محرومیت زدایی در همه نقاط سرزمینی و جمعیتی کشور با بسیج همه نیروها بر پا شود.

* بسیج سازندگی یک فضیلت است

در فرهنگ بسیج سازندگی ؛ توسعه تولید ثروت در مسیر استقرار اقتصاد مقاومتی در واقع جهاد اقتصادی محسوب می شود و معنی اصلی و مطلق جهاد ، مبارزه در راه خداست اما وقتی این واژه با یک کلمه دیگر ترکیب می شود دامنه دلالت آن هم متناسب با این ترکیب گسترده تر می شود و "جهاد اقتصادی" هم از این نوع است.

اگر اقتصاد را به معنی تلاش برای تولید حداکثر ثروت و استخراج حداکثر ارزش افزوده بدانیم ، بسیج سازندگی به معنی تلاش حداکثر و سازنده و مفید با رویکرد رسیدن به حداکثر بهره وری و استخراج یا استحصال ارزش افزوده یا بهره وری 100 درصد یا نزدیک به آن است که همه دولت ها به دنبال آن بودند اما کمتر موفق شدند چون عامل اصلی تحقق آن یعنی الگوی بسیج سازندگی را کم رنگ دیدند.

برای ترویج الگوی بسیج سازندگی هم باید نوسازی و تحول در ساختارهای اقتصادی انجام گیرد و هم اینکه در حوزه نرم افزاری و مدیریت ذهنی شهروندان دینی و مسلمان ، تلاش کنیم اصل بسیج سازندگی در همه امور زندگی جریان یابد و اعمال شود.

بسیج سازندگی ؛ محدودیت کارآمدی ندارد ، به توسعه درون زا می اندیشد ، رفاه همه مردم را هدفگذاری کرده است ، ارزش بسیج سازندگی در آن است که فراتر از هر گونه جناح بندی

قرار دارد و به پیشرفت همراه با عدالت در همه نقاط سرزمین می اندیشد و هزاران فضیلت دیگر...

<http://sazandegi.ir/node/3766>